

Differential Procedure of Anti-Green Crimes in Iran's Criminal System (Based on the Model of Globalized Politics)

Amin Hajivand¹, Seyed Hossein Hosseini^{2*}, Abdolreza Javan Jafari³

1. PhD student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

2. Associate Professor, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

3. Professor, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.



Article Type:

Original Research

Pages: 175-210

Received: 2023 August 16

Revised: 2023 September 09

Accepted: 2023 October 19



Abstract

A differential approach to technical and specialized crimes has been proposed as one of the trends of the desired global criminal policy. One of the areas in which the differentiation of criminal procedure should be manifested in its territory is anti-green crimes and sustainable development. Anti-green crimes are committed against the environment and are divided into two categories: environmental crimes and environmental terrorism. The reason for the separation of these two concepts is the way of responding and dealing with these crimes and basically they have important differences in terms of criminal intent. In this research with analytical-descriptive method, these results were obtained that in Iran's criminal system, there are effects of differentiation regarding the treatment of environmental crimes. Also predicting requirements such as green training and employing specialized officers and green-thinking judges (ensuring and regulating reactions), the need to open up the network to civil society (green legal activists), the need to provide a special environmental prosecutor with the same criteria from special prosecutors such as Tax prosecutors, mandatory criminal declaration, predicting long deadlines for prosecution and sentencing, the need to increase the period of detention and being under surveillance, joint investigations, increasing the evidence of criminality and increasing international judicial cooperation can be effective in differentiating the handling of environmental crimes and realizing the goals of efficient criminal policy.

Keywords: Anti-Green Crime, Differentiation, Proactive Criminal Policy, Reactive Criminal Policy, Green Differential Proceedings

*Corresponding Author: shosseini@um.ac.ir

رسیدگی افتراقی به بزه‌های ضد سبز در نظام کیفری ایران (بر مبنای الگوی سیاست جهانی شده)

امین حاجی وند^۱، سیدحسین حسینی^{۲*}، عبدالرضا جوان جعفری^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۲. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۳. استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.



نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۲۱۰-۱۷۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۶/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۶

چکیده

رویکرد افتراقی به بزه‌های فنی و تخصصی به عنوان یکی از رگه‌های سیاست جنایی مطلوب جهانی مطرح شده است. از حوزه‌هایی که بایستی افتراقی‌سازی آیین دادرسی کیفری در قلمرو آن تجلی پیدا کند، بزه‌های ضد سبز و توسعه پایدار است. بزه‌های ضد سبز علیه محیط زیست ارتکاب می‌یابند و خود به دو دسته‌ی جرایم زیست محیطی و تروریسم زیست محیطی تقسیم‌بندی می‌شوند. علت تفکیک این دو مفهوم نحوه‌ی پاسخ‌دهی و رسیدگی به این جرایم است و اصولاً از لحاظ قصد مجرمانه نیز تفاوت‌های مهمی دارند. در این تحقیق با روش تحلیلی-توصیفی، این نتایج حاصل شد که در نظام کیفری ایران، افتراقی‌سازی رسیدگی به بزه‌های زیست محیطی مشاهده می‌شود. همچنین پیش‌بینی بایسته‌هایی همچون آموزش‌های سبز و به کارگیری ضابطین تخصصی و قضات سبزاندیش (تضمین و تنظیم‌گری واکنش‌ها)، لزوم بازتر شدن شبکه نسبت به جامعه مدنی (کنشگران سبزپیرا قضایی)، لزوم پیش‌بینی دادستان ویژه زیست محیطی با وحدت ملاک از دادستان‌های ویژه همچون دادستان مالیاتی، اعلام جرم اجباری، پیش‌بینی مواعد طولانی مرور زمان در تعقیب و صدور حکم، لزوم افزایش مدت بازداشت و تحت نظر، تحقیقات مشترک، بارکردن اماره مجرمیت و افزایش همکاری‌های بین‌المللی قضایی می‌تواند در افتراقی‌سازی رسیدگی به بزه‌های زیست محیطی و تحقق اهداف سیاست جنایی کارآمد موثر واقع شود.



تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

واژگان کلیدی: بزه ضد سبز، افتراقی‌سازی، سیاست جنایی کنشی، سیاست جنایی واکنشی،

دادرسی افتراقی سبز

درآمد

آیین دادرسی کیفری از قدمت زیادی برخوردار است، به گونه‌ای که در قانون حمورابی ضوابط و مقرراتی در خصوص تشکیلات دادگاه رسیدگی کننده، نحوه اجرای کیفر، نحوه اثبات دعاوی کیفری و قواعدی از این قبیل وجود دارد. البته لازم به ذکر است که سال‌های متمادی، نظر عده‌ای بر آن بوده که ممکن است نیاز چندانی به آیین دادرسی نداشته باشیم و صرف وجود قانون ماهوی و قضات بی‌طرف، مشکل رسیدگی را حل خواهد نمود.^۱ اما امروزه علاوه بر اینکه این ادعا کاملاً مردود تلقی می‌شود و وجود آیین دادرسی کیفری به واکنش جامعه بر ضد جرم نظم خاصی می‌بخشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸: ۱۸)، سخن از افتراقی و چندلایه شدن آیین دادرسی به میان آمده است و با مطرح شدن برخی از جرایم فنی و تخصصی و بزه‌کاران خطرناک این دسته از جرایم، ضرورت گزینش یک نظام رسیدگی افتراقی، بیش از گذشته احساس می‌شود.

امروزه مشاهده می‌کنیم که حقوق کیفری چه در بعد ماهوی و چه در بعد شکلی از کارکردهای سنتی خویش فاصله گرفته است و رفتارهایی را جرم‌انگاری می‌کند که بیشتر جنبه فنی و تخصصی دارند. شاخه‌هایی مثل حقوق کیفری اقتصادی، حقوق کیفری محیط زیست و... نشان از فنی شدن حقوق کیفری دارد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۲۷) یکی از حوزه‌هایی که بایستی افتراقی‌سازی آیین دادرسی کیفری در قلمرو آن تجلی پیدا کند، بزه‌های زیست محیطی است، چرا که لزوم حمایت کیفری همه جانبه از محیط زیست که یکی از بایسته‌های حمایت کیفری از محیط زیست است، افتراقی‌سازی در این حوزه را بیش از گذشته لازم و ضروری می‌نماید تا امنیت زیست محیطی کشور با مقابله و مبارزه در قبال این بزه‌ها، تأمین و تضمین شود. امنیت ملی یک کشور تا چند دهه پیش، صرفاً معنایی نظامی داشت و به همین دلیل تهدید نظامی، مهم‌ترین تهدید برای امنیت ملی

۱. برای مطالعه بیشتر در این خصوص رک به: آشوری، محمد، عدالت کیفری (مجموعه مقالات)، جلد دوم، تهران، نشر دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۹۴، ص ۷۷.

هر کشور شناخته می‌شد. اما در دهه‌های اخیر، بحران زیست‌محیطی نیز بر مطالعات امنیت ملی افزوده شد و در تعریف جدید امنیت، دیگر نمی‌توان آن را به طور یک‌طرفه و یک‌جانبه تحقق بخشید. (سلمان خاکسار، ۱۳۸۹: ۴۰۵) این مقوله بعد نوین امنیت را که همانا بعد زیست‌محیطی آن است تحقق می‌بخشد. محیط‌زیست از آن جهت که می‌تواند موجبات تقویت بنیه‌های اقتصادی و سلامت جسمی و روانی کشور را فراهم سازد، عاملی مطلوب و تقویت‌کننده در جهت اهداف امنیت ملی به شمار می‌آید. امنیت محیط‌زیست، به مفهوم وجود شرایطی است که امنیت نسبی مطلوبی را در برابر خطرهای و تهدیدهای ناشی از رفتارهای آسیب‌رسان زیست‌محیطی فراهم می‌سازد. (زارع مهدوی و دانش‌ناری، ۱۳۹۵: ۵۲) سیاست‌گذاری در برابر جرایم بین‌المللی و فراملی همچون بزه‌کاری زیست‌محیطی نیز باید جهانی شود و حاکمیت دولت‌ها نمی‌تواند مانعی بر سر راه باشد. زیرا اصل احتیاط مقتضی به عنوان یکی از اصول مسلم حقوق بین‌الملل محیط زیست (پوره‌اشمی و ارغند، ۱۳۹۸: ۲۶) نشان‌دهنده این مهم است که آسیب‌ها و ضررهای بزه‌کاری زیست‌محیطی محدود به مرزهای یک کشور نیست و دولت نیز متعهد به تضمین حق بر محیط زیست سالم به عنوان یکی از نسل‌های حقوق بشری است. با مطالبی که بیان گردید، در حال حاضر، رسیدگی به جرایم مجرمان زیست‌محیطی بایستی افتراقی و تخصصی باشد و اگر رویکردهای تخصصی در قلمرو کیفری حاکم نباشد در آینده با بوم‌زدایی^۱ و بی‌عدالتی‌های زیست‌محیطی^۲ مواجه خواهیم بود. در نظام حقوقی ایران، برخی جلوه‌های رسیدگی افتراقی به این دسته از جرایم وجود دارد. اما این جلوه‌ها در برخی از مراحل دادرسی نمود پیدا کرده که از این نظر قابل انتقاد است و ترسیم و تبیین بایسته‌هایی در خصوص تشریفات رسیدگی‌های افتراقی به این دسته از جرایم امری لازم و ضروری است.

1 See for details: Crook and South, 2018: 228-317.

2 See for details: Brisman and South, 2017: 297-300.

۱- واکاوی یک مفهوم: رویکرد افتراقی به مفهوم بزه‌های ضد سبز

تعبیر "بزه ضد سبز" در مقابل تعبیری استفاده می‌گردد که برخی از نویسندگان از آن تحت عنوان «بزهکاری سبز» یا «بزه سبز» استفاده نموده‌اند (رک به: کشاورز، ۱۳۹۹). «بزه ضد سبز» که برای نخستین بار در این پژوهش به کار گرفته می‌شود، بزه‌ی بر ضد سبز یا همان ضد محیط زیست و توسعه پایدار است و نمی‌تواند عنوان صرف «سبز» به خود بگیرد. شاید استفاده صرف واژه سبز در تألیفات نویسندگان علوم جنایی، الهام گرفته از بحث رنگ‌بندی علوم جنایی است. به عنوان مثال «جرم‌شناسی سبز» به عنوان رویکردی نوین در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی از سوی مایکل لینچ و جرم‌شناسان اغلب انتقادی آمریکا ظهور پیدا کرد. آنان معتقد هستند که جرم‌شناسی متعارف در پاسخگویی و تحلیل آسیب‌های زیست محیطی با شکست مواجه شده است. از این رو، ما نیازمند اتخاذ رویکردی نوین و نگاهی سبز در علت‌شناسی آسیب‌های زیست محیطی هستیم. (برای مطالعه بیشتر رک به: گرجی فرد، ۱۳۹۵) اما به نظر می‌رسد اطلاق اصطلاح سبز به بزه زیست محیطی اقدام درستی نیست (همانگونه که در سایر آثار مؤلفین علوم جنایی سبز صرفاً از بزه‌های زیست محیطی استفاده شده است: به عنوان مثال رک به: آثار حمیدرضا دانش ناری)؛ چرا که جرم‌شناسی سبز به معنای جرم‌شناسی نوظهور انتقادی است که در علت‌شناسی بزه زیست محیطی دیدگاه‌های جدیدی را نسبت به جرم‌شناسی سنتی مطرح می‌کند. بنابراین بزه ضد سبز ضد محیط زیست و توسعه پایدار است.

این پژوهش بر لزوم تفکیک جرایم زیست محیطی از تروریسم زیست محیطی به عنوان بزه‌های ضد سبز تأکید ویژه‌ای دارد. در نظام حقوقی فرانسه نیز رسیدگی به این جرایم از هم تفکیک شده است، چرا که جرایم زیست محیطی در قالب تروریسم نیز قابلیت ارتکاب پیدا کرده‌اند. همانطور که در دایره المعارف علوم جنایی مطرح شده است، تروریسم تهدیدی کاملاً مستقیم علیه منافع اساسی ملت‌های متمدن شناخته شده است (Gerard, ۲۰۰۴: ۹۱۹). بنابراین از دهه ۹۰ میلادی به بعد، تحولی در مفهوم تروریسم

ایجاد شد و یکی از تأثیرات این تحول را می‌توان در قانون‌گذاری جزایی فرانسه ملاحظه نمود. مقنن فرانسوی در ادامه سیاست‌های حمایتی خود از منافع حیاتی و اساسی ملت فرانسه، به جرم‌انگاری تروریسم زیست‌محیطی اقدام نمود. ماده‌های ۴۱۰-۱ قانون مجازات فرانسه در مقام بیان منافع اساسی ملت، تأمین ثبات و تعادل در محیط زیست کشور را یکی از منافع اساسی ملت فرانسه برشمرده است. همچنین قانون جزای فرانسه مصوب ۱۹۹۲ و اجرا شده در ۱۹۹۴ میلادی در مواد ۴۲۱-۱ تا ۴۲۲-۷ تروریسم، مصادیق و مجازات‌های آن را بیان نموده است. در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه در مواد ۱۶-۷۰۶ به بعد نیز تعقیب، تحقیق و دادرسی ویژه‌ای در اعمال تروریستی پیش‌بینی شده است. بنابراین می‌توان در این جا از افتراقی شدن رسیدگی‌های جرایم تروریستی نیز سخن به میان آورد. قانون جزای فرانسه در ماده ۲-۴۲۱ اشعار می‌دارد: «وارد کردن عمدی ماده‌ای که سلامت انسان‌ها، حیوانات یا محیط طبیعی را به خطر می‌اندازد، در هوا، خاک و لایه زیرین خاک، مواد غذایی یا عناصر مواد غذایی یا در آب‌ها از جمله قلمرو دریایی، در صورتی که در ارتباط با یک اقدام فردی یا جمعی و به هدف اخلاص شدید در نظم عمومی از راه هراس افکنی یا ایجاد ترس صورت گیرد، نیز یک عمل تروریستی محسوب می‌گردد.» (میرکمالی و حاجی‌وند، ۱۳۹۷: ۶۷)

امروزه سوء استفاده از محیط زیست و موجودات زنده جهانی، هم به صورت هدف و هم به عنوان ابزاری برای فعالیت تروریستی آشکار و نمایان گردیده است. در این راستا «جنگ سبز» با تغییر چهره تروریسم به عنوان پدیده‌ای نوظهور در دنیای معاصر پدیدار گشته است. با این توصیف نه تنها حقوق بین الملل، بلکه حقوق داخلی (ملی) نیز برای مقابله با این تهدیدات همگام نبوده است. هر چند اصول حقوقی کاربردی‌پذیر، نیز در جای خود نتوانسته با راهبردهای ضد تروریسم موجود به طور موثر عمل نماید و متناسب با این بحران‌ها راهکار ارایه نماید. تروریسم سبز یا تروریسم زیست‌محیطی از جمله تروریسم نوین بوده که عناصر زیست‌محیطی را به راحتی در جهت و مسیر فعالیت‌های خود قرار

می دهد (پورهاشمی، نمامیان و طیبی، ۱۳۹۴: ۱۶۷).

۲- جلوه های افتراقی سازی رسیدگی به بزه های زیست محیطی

در این گفتار به بررسی جلوه های افتراقی سازی در رسیدگی تخصصی به بزه های زیست محیطی خواهیم پرداخت.

۲-۱- اصل موقعیت داشتن تعقیب نسبت به جرایم سبز

یکی از جرایمی که این اصل را در خصوص آنها جاری ساخته اند، جرایم سبکی است که در قانون حفاظت از جنگل ها و مراتع آمده است. ماده ۵۹ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع مقرر می دارد: «رئیس سازمان جنگلبانی یا نمایندگانی که از طرف نامبرده به موجب حکم کتبی تعیین می شوند مجازند نسبت به جرائمی که طبق مفاد این قانون جنحه باشد به استثنای موارد مذکور در ماده ۴۹ و تبصره های ۱ و ۲ ماده ۵۲ با وصول جرائم و خسارات از تعقیب جزائی متهم فقط برای یک مرتبه صرف نظر کنند و تعقیب مرتکب منوط به شکایت رئیس یا نماینده سازمان مزبور است».

همانطور که مشهود است به موجب ماده فوق الذکر، اختیار صرف نظر کردن از تعقیب به رئیس سازمان جنگلبانی یا نمایندگانی که از طرف وی به موجب حکم کتبی تعیین می شوند، سپرده شده است که این خلاف اصول آیین دادرسی کیفری است. اصل اقتضا یا موقیت داشتن یا مناسب بودن تعقیب در برخی از جرایم، تحت شرایط خاص قانونی اختیار صرف نظر کردن از تعقیب متهم را به دادستان به عنوان مدعی العموم واگذار می نماید نه به هر شخصی. تعقیب جرایم از مهم ترین وظایف دادسرا است و اگر هم قرار است از اصل قانونی بودن یا الزامی بودن تعقیب آن هم در موارد خاص و مصرحی عدول شود، از طرف دادسرا باید انجام شود و از آنجایی که رئیس دادسرا و مدعی العموم، دادستان است به نمایندگی از دادسرا، این امر را تحقق می بخشد. از این رو این انتقاد

جدی به ماده مشروحه وارد است و اصلاح آن ضروری به نظر می‌رسد. البته لازم به ذکر است که جرایم زیست‌محیطی به لحاظ اینکه جرایمی فنی و پیچیده هستند، برخوردی قاطعانه را می‌طلبند و به نظر می‌رسد که اصل موقعیت داشتن و مناسب بودن تعقیب در خصوص این دسته از جرایم که دارای بزه‌دیده جمعی است و نسل‌های بعد نیز جزء قربانیان این دسته از جرایم محسوب می‌شود، جایگاهی نداشته باشد. بنابراین به نظر می‌رسد که قاعده مناسب بودن تعقیب در این دسته از جرایم به لحاظ ماهیت فنی که دارند، جایگاهی نداشته باشد.

۲-۲- جهات قانونی شروع به تعقیب

ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، جهات قانونی شروع به تعقیب را مطرح نموده است. به نظر می‌رسد که این جهات که می‌توان از آنها تحت عنوان "جهات عام شروع به تعقیب" نام برد، در جرایم ضد سبز کارایی چندانی نداشته باشند. چرا که معمولاً این دسته از جرایم، مشهود نیستند و نه تنها مراجع تعقیب بلکه خود بزه‌دیدگان نیز متوجه بزه‌دیده واقع شدن خود نمی‌شوند. از این رو به نظر می‌رسد که باید برای فنی و تخصصی نمودن ضابطان جرایم سبز اقدام نماییم و از ظرفیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد نهایت استفاده را ببریم. در حال حاضر ضابطان خاص جرایم زیست‌محیطی آموزش‌های عمومی را می‌گذرانند نه آموزش‌های فنی و تخصصی در حوزه جرایم سبز. از این منظر نظام حقوقی ما با ضعف جدی مواجه است و همین امر توجیه‌گر تشکیل پلیس تخصصی و اهمیت آموزش فنی و تخصصی به ضابطان جرایم سبز است تا بدین وسیله ناکارآمدی جهات عام شروع به تعقیب را جبران نمود.

بند الف ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ دارای اهمیت زیادی است و این پرسش را در ذهن متبادر می‌نماید که شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم زیست‌محیطی کیست؟ شاکی کسی است که جرم مستقیماً نسبت به او واقع شده یا قائم

مقام قانونی چنین شخصی محسوب می‌شود. تفاوت اعلام‌کننده جرم با شاکی در این است که اعلام‌کننده جرم نفع شخصی در تعقیب جرم ندارد، در واقع، شاکی از وقوع جرم زیان دیده است در حالی که اعلام‌کننده جرم شاهد وقوع آن بوده یا به نحوی مطلع شده است (مهدی پورو شاملو، ۱۳۹۶: ۲۷۶).

در برخی از جرایم زیست‌محیطی، از شاکی یا مدعی خصوصی به صراحت نام برده شده است. سازمان حفاظت محیط‌زیست در دعاوی مربوط به جرایم زیست‌محیطی به عنوان شاکی، خواهان و مدعی خصوصی تلقی می‌شود. ماده ۱۸ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ مقرر می‌دارد: «در مورد جرائم مذکور در این قانون سازمان از حیث مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم بر حسب مورد شاکی یا مدعی خصوصی شناخته می‌شود.» منظور از سازمان در مواد مطروحه، سازمان حفاظت محیط‌زیست است. علاوه بر سازمان حفاظت محیط‌زیست، سازمان‌ها و نهادهای دیگری نیز در قلمرو وظایف خود پیگیر امور مربوط به محیط‌زیست هستند و بر این اساس می‌توانند در خصوص جرایم زیست‌محیطی به عنوان شاکی و یا خواهان محسوب شوند. از شهرداری‌ها، سازمان شیلات ایران، سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور می‌توان به عنوان سازمان‌هایی که مجاز به طرح دعوی در جرایم زیست‌محیطی هستند یاد کرد.

همانطور که اشاره شد، در برخی از قوانین زیست‌محیطی برخی از سازمان‌ها همچون سازمان حفاظت محیط‌زیست به عنوان یک نهاد شاکی معرفی شده است. اما سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا منظور مقنن از نهاد شاکی این است که سازمان‌های مزبور فقط جرم را کشف و اعلام می‌کنند یا حق گذشت و اعلام رضایت هم دارند؟ با توجه به تصریح در مواد قانونی فوق‌الذکر، سازمان‌های مزبور فراتر از یک کاشف و اعلام‌کننده جرم معرفی شده‌اند و گویا این سازمان‌ها کاشف، اعلام‌کننده و شاکی هستند. در جرایم علیه محیط‌زیست، نظم عمومی به چالش کشیده می‌شود و نمی‌توان گفت این سازمان‌ها متضرر شده‌اند و اگر این سازمان‌ها شکایت نکنند چه خواهد شد؟ جرایم

علیه محیط زیست دارای جنبه عمومی هستند و به صرف شناسایی کافی است. پس چه لزومی دارد که ما این سازمان‌ها را شاکی بدانیم؟ به هر حال این سازمان‌ها یک نهاد شاکی محسوب شده‌اند و این پسندیده نیست سازمانی که متضرر نیست شاکی باشد، بنابراین بزه‌های ضد سبز نیازی به شاکی ندارند و نباید قابل گذشت تلقی شوند.

۳-۲- جلب متهم بدون احضاریه

در مرحله تحقیقات مقدماتی متهم در دو صورت جلب می‌شود: نخست اینکه احضار شود و بدون عذر موجه یا اخذ مهلت از حضور خودداری کند و دوم جلب بدون احضار در برخی از جرم‌های زیست محیطی جلب به شکل دوم صورت می‌گیرد. به موجب قانون، بازپرس می‌تواند بدون ارسال احضاریه دستور جلب متهم را صادر کند. در مواد مختلف اسناد جهانی در خصوص جرایم سازمان یافته یا مصادیق آن رعایت حقوق متهم مورد تأکید قرار گرفته است. با این وجود در خصوص برخی تدابیر تأمینی و به منظور تأمین حضور متهم به دولت‌ها توصیه شده تا منافع جامعه را در نظر بگیرند. از این رو در قوانین داخلی برخی از کشورها به نفع اجرای عدالت از آنچه که تاکنون اصول دادرسی منصفانه نامیده می‌شده تا حدی عدول شده است. نمونه بارز آن بند ت ماده ۱۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص جرایم سازمان یافته است.

در خصوص بند الف، می‌توان افساد فی الارض که مجازات آن سلب حیات است را در نظر گرفت. همانطور که پیش‌تر به آن اشاره کردیم در نظام حقوقی ایران جرم مستقلی تحت عنوان تروریسم زیست محیطی که یک جرم ضد سبز و توسعه پایدار است، وجود ندارد. اما مصادیقی از آن همچون پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک و ... در ذیل جرم افساد فی الارض قرار گرفته است. از این رو، بازپرس می‌تواند در این دسته از جرایم، بدون اینکه ابتدا احضاریه فرستاده باشد دستور جلب متهم را بدهد.

از دیگر مواردی که می‌توان آن را در خصوص جرم‌های سبز صادق دانست،

بند ب و ت است. در خصوص بند ت، می‌توان سازمان یافتگی را در خصوص جرم‌های زیست‌محیطی در نظر داشت که بازپرس می‌تواند بدون ارسال احضاریه دستور جلب متهم را بدهد. در خصوص بند ت، این نکته قابل ذکر است که در نظام حقوق کیفری ایران، جرم سازمان یافته تعریف نشده، بلکه گروه مجرمانه سازمان یافته تعریف شده است. از این رو منظور مقنن تبصره ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است.

۴-۲- صدور قرار بازداشت موقت و قرار تأمین قضایی در جرم‌های سبز

قانون‌گذار در ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، با یک رویکرد پلکانی امکان صدور قرار را فراهم نموده است. هدف از قرار بازداشت موقت، در دسترس بودن متهم جهت انجام تحقیقات لازم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن او و تسریع در دادرسی است. اما اهداف دیگری همچون سزادهی و مجازات را نیز در این خصوص بیان نموده‌اند (زراعت، ۱۳۹۳: ۲۳۵) که قابل توجیه نیست. موازین علمی و حقوقی این هدف را قبول ندارد، اگرچه شاید در نظر برخی متصور شود.

از مهم‌ترین محاسن بازداشت موقت، این است که اگر متهم دارای سابقه خطرناکی باشد یا زمینه و امکان جرم به نحوی باشد که آزادی او سبب تداوم عملیات مجرمانه سابق و یا ارتکاب مجدد جرم شود، بازداشت موقت راهکار مناسبی برای حذف این زمینه‌ها و جلوگیری از ارتکاب جرم محسوب می‌شود. در زمینه جرایم زیست‌محیطی نیز حالت خطرناکی مشهود است. زیرا جرایم ضد سبز اغلب به صورت سازمان یافته رخ می‌دهند.

بازداشت موقت در اصطلاح حقوق کیفری به معنای زندانی کردن متهم در جریان تحقیقات مقدماتی است که گاهی تا پایان رسیدگی ماهوی و صدور حکم و شروع به اجرای آن ادامه می‌یابد. بازداشت موقت، عنوان مجازات ندارد و یکی از اقسام قرارهای تأمین کیفری است که قاضی به منظور امکان دسترسی به متهم و جلوگیری از فرار و اختفا و تبانی

او و دیگر مصالح در شرایط خاصی صادر می‌کند. محدود شدن آزادی متهم قبل از اثبات جرم در دادگاه صالح با اصل برائت و اصول حقوقی مذکور در قوانین اساسی کشورهای جهان، منشور ملل متحد و میثاق‌های بین‌المللی مغایر است. اما مصالحی مانند ضرورت انجام تحقیقات و حفظ امنیت جامعه از خطر تب‌هکاران، وضع و تصویب مقررات راجع به بازداشت موقت را توجیه می‌کند. ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری نیز اصل را بر عدم جواز بازداشت موقت گذاشته است و استثنائات آن شامل جرایم سنگین می‌شود. (پاک نیت، ۱۳۹۶: ۳۱۴) البته صدور قرار بازداشت موقت دارای شرایطی است که در ماده ۲۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به آن پرداخته شده است.

در خصوص جرایم زیست‌محیطی، مطابق ماده ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، بازپرس می‌تواند متناسب با جرم ارتكابی، علاوه بر صدور قرار تأمین، قرار نظارت قضایی نیز صادر کند. در ماده فوق‌الذکر می‌توان بندهای پ و ت و ث را به عنوان قرار متناسب نظارت قضایی، صادق دانست. بند پ «منع اشتغال به فعالیت‌های مرتبط با جرم ارتكابی» است که در خصوص جرایم سبز، بهترین نوع قرار نظارت قضایی محسوب می‌شود.

۵-۲- پیش‌بینی قرار تمهیدی تصمیم به جلوگیری از فعالیت

در حقوق ایران اتخاذ تصمیم یا دستور موقت (دادرسی فوری) به منظور متوقف نمودن روند ارتكاب اعمالی که ادعای مجرمانه بودن آنان مطرح است به دو صورت خاص و عام پیش‌بینی شده است. شکل خاص آن ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی است: «هر کس به وسیله صحنه‌سازی از قبیل پی‌کنی، دیوارکشی، تغییر حد فاصل، امحای مرز، کرت‌بندی، نهرکشی، حفر چاه، غرس اشجار و زارعت و امثال آن به تهیه آثار تصرف در اراضی مزروعی اعم از کشت شده یا درآیش زراعی، جنگل‌ها و مراتع ملی شده، کوهستان، باغ‌ها، قلمستان‌ها، منابع آب، چشمه‌سارها، انهار طبیعی و پارک‌های ملی، تأسیسات

کشاورزی و دامداری و دامپروری و کشت و صنعت و اراضی موات و بایر و سایر اراضی و املاک متعلق به دولت یا شرکت‌های وابسته به دولت یا شهرداری‌ها یا اوقاف و همچنین اراضی و املاک و موقوفات و محبوسات و اثاث باقیه که برای مصارف عام‌المنفعه اختصاص یافته یا اشخاص حقیقی یا حقوقی به منظور تصرف یا ذیحق معرفی کردن خود یا دیگری، مبادرت نماید یا بدون اجازه سازمان حفاظت محیط‌زیست یا مراجع ذیصلاح دیگر مبادرت به عملیاتی نماید که موجب تخریب محیط‌زیست و منابع طبیعی گردد یا اقدام به هرگونه تجاوز و تصرف عدوانی یا ایجاد مزاحمت یا ممانعت از حق در موارد مذکور نماید، به مجازات یک ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شود. دادگاه موظف است حسب مورد رفع تصرف عدوانی یا رفع مزاحمت یا ممانعت از حق یا اعاده وضع به حال سابق نماید.»

نوع دوم که عام است ماده ۱۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری است که مقرر می‌دارد: «جلوگیری از فعالیت تمام یا بخشی از امور خدماتی یا تولیدی از قبیل امور تجاری، کشاورزی، فعالیت کارگاه‌ها، کارخانه‌ها و شرکت‌های تجاری و تعاونی‌ها و مانند آن ممنوع است، مگر در مواردی که حسب قرائن معقول و ادله مثبت، ادامه این فعالیت متضمن ارتکاب اعمال مجرمانه‌ای باشد که مضر به سلامت، مخل امنیت جامعه و یا نظم عمومی باشد که در این صورت، بازپرس مکلف است با اطلاع دادستان، حسب مورد از آن بخش از فعالیت مذکور جلوگیری و ادله یاد شده را در تصمیم خود قید کند. این تصمیم ظرف پنج روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه کیفری است.» تأسیس حقوقی این ماده تدبیرگری پیشگیرانه از جلوگیری از ارتکاب و تداوم رفتار مجرمانه سبز است که می‌توان از آن تحت عنوان "عدالت پیشگیرانه مهار جرم در بستر نظام حقوقی" نام برد.^۱ بنابراین با توجه به نقشی که فعالیت‌های بازرگانی، تولیدی، خدماتی و کشاورزی در پیشبرد امور کشور و گذران

۱. برای مطالعه بیشتر در این خصوص رک به: اسماعیلی، محمد، عدالت پیشگیرنده، مهار جرم در بستر نظام حقوقی، مجله مطالعات حقوق کیفری دانشگاه تهران، دوره ۴، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، صص ۲۹۷-۳۲۶.

زندگی مردم دارند، جلوگیری از این فعالیت‌ها باید تحت شرایط خاص انجام شود. اگر عمل مجرمانه ارتباط مستقیمی با این فعالیت‌ها داشته باشد از باب اقدام تأمینی، توقف فعالیت آن‌ها موجه است. به کارگیری واژه «تصمیم» در متن ماده ۱۱۴ به این علت است که تصمیم همانند دستور قابل عدول است، یعنی هر وقت ضرورت صدور تصمیم مورد بحث منتفی شد، بدون هیچ تشریفات خاصی بازپرس می‌تواند از آن عدول کند. از طرفی چون این دستور ممکن است موجب تضییع حقی شود، مقنن واژه تصمیم را در مورد آن به کار گرفته و آن را قابل اعتراض دانسته تا با استدلال کافی در یک شکل مشخص نیز صادر شود. چنانچه جرم از جمله جرایمی باشد که بدون کیفر خواست و به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود، با توجه به ضابطه‌ای که در ذیل ماده ۳۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر شده است، صدور تصمیم موضوع ماده ۱۱۴ بر عهده دادگاه است. تصمیم صادره در دادگاه مطابق وحدت ملاک تبصره اصلاحی ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری، قابل تجدید نظر در دادگاه تجدیدنظر استان است. این تبصره مقرر می‌دارد: «مرجع تجدیدنظر قرار موضوع این ماده و سایر قرارهای قابل اعتراض مربوط به تحقیقات مقدماتی جرایمی که به طور مستقیم در دادگاه رسیدگی می‌شوند، دادگاه تجدید نظر است.» لازم به ذکر است که تصمیم موضوع ماده ۱۱۴ نیازی به تأیید دادستان ندارد و تنها به اطلاع وی برسد کافی است و این اطلاع جهت نظارت کلی دادستان بر حسن اجرای تحقیقات مقدماتی بوده و نظارت استصوابی نمی‌باشد. (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۱۸۳) یکی از ایرادات جدی این ماده عبارت است از اینکه دامنه این ماده گسترده است و ضمانت اجرای تخلف از آن بیان نشده است.

البته لازم به ذکر است که پیش‌بینی این قرار، گامی مثبت در جهت به رسمیت شناختن برخی از اصول بنیادین حقوق محیط‌زیست است. در جرایم زیست‌محیطی، ضرر در سطوح مختلف محلی، ملی، منطقه‌ای، جهانی و فراملی قابل فرض است. جرایم زیست‌محیطی ممکن است افراد زیادی را بزه‌دیده قرار دهد، بدون اینکه آنان از

بزه‌دیدگی خود مطلع شوند. اکثر جرایم زیست‌محیطی به صورت سازمان‌یافته ارتکاب می‌یابند و همین امر خود موجب مطرح شدن جرم زیست‌محیطی فراملی می‌گردد. در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست یکسری اصول، به رسمیت شناخته شده که به موجب آن، ترمیم و جبران خسارت توسط دولتی که خسارت زده و محیط‌زیست را تخریب یا آلوده نموده، صورت می‌پذیرد. البته در خصوص تحقق خسارات زیست‌محیطی فرامرزی است که تعهد دولت‌ها به انجام این اصول مطرح می‌شود. اما موضوع بحث ما در جایی است که خسارت‌ها بعد ملی به خود می‌گیرد و جنبه فرامرزی پیدا نمی‌کند. همین دغدغه‌های زیست‌محیطی کنشگران جامعه بین‌المللی به‌ویژه دولت‌ها و سازمان ملل متحد، باعث پیدایش اصول اساسی حفاظت زیست‌محیطی شد. این اصول در حقوق بین‌المللی مورد شناسایی قرار گرفته و در حقوق داخلی کشورها صراحتاً (مثل کشور فرانسه در قانون محیط‌زیست و قانون منشور حقوق محیط‌زیست مصوب ۲۰۰۵ میلادی) یا به صورت ضمنی و موردی در برخی از جرایم زیست‌محیطی (مثل کشور ایران) مورد شناسایی قرار گرفته است. شناسایی این اصول در نظام حقوقی داخلی دارای فواید متعددی است؛ از جمله اینکه با ملی و داخلی شدن این اصول بنیادین، قضات دیگر مجبور نیستند که به قواعد سنتی مسئولیت مدنی رجوع کرده و خود را درگیر اثبات رابطه سببیت نمایند. البته لازم به ذکر است که در نظام حقوقی فرانسه علاوه بر اینکه این اصول بنیادین در منشور محیط‌زیست مطرح شده در قوانین فرانسه نیز منعکس شده است.

پیش‌بینی چنین قرار تمهیدی در قانون آیین دادرسی کیفری، در راستای تحقق اصل حفاظت از محیط‌زیست و اصل پیشگیری است. مطابق اصل عام و قدیمی حفاظت از محیط‌زیست، ضروری است به منظور جلوگیری از ورود خسارت به محیط‌زیست، کلیه اقدامات لازم انجام شود. این اصل امروزه در هر قانون محیط‌زیستی وجود دارد. (مشهدی، ۱۳۹۱: ۲۹) ماده ۲ منشور محیط‌زیست فرانسه ضمن اشاره به این اصل، این تکلیف را بر عهده کلیه افراد نهاده است. مطابق این ماده «هر شخص مکلف است نسبت

به بهسازی و حفاظت از محیط زیست اقدام نماید.» اما بایستی مدنظر قرار داشت که این اصل با اجرای سایر اصول تکمیل می‌گردد. (مشهدی، ۱۳۹۶: ۸۷) بدین معنا که تحقق سایر اصول، حفاظت از محیط زیست را ممکن می‌سازد.

یکی دیگر از اصول بنیادین حقوق محیط زیست، اصل پیشگیری است. در حقوق بین‌الملل محیط زیست یک تعهد اساسی پیش‌بینی شده و آن اینکه پیشگیری همیشه سهل‌تر از جبران خسارت است، مخصوصاً جایی که آلودگی مطرح است. این اصل در حقوق بین‌الملل محیط زیست، مقرر می‌دارد که فعالیت‌های تجاری کشورها در حوزه‌های خصوصی، دولتی و فراملی یا چندملیتی نباید موجب ورود خسارت به محیط زیست شود. پیشگیری همیشه بهتر از درمان است. این قاعده در ارتباط با محیط زیست و جنبه‌های پیشگیرانه آن برجستگی بیشتری دارد. چراکه در پاره‌ای از خسارات محیط‌زیستی امکان اعاده وضعیت به حالت سابق وجود ندارد. مثلاً به سختی می‌توان نسبت به احیاء مرجان‌های دریایی اقدام نمود. این اصل که در قوانین عادی فرانسه وجود داشت و در ماده ۱-۲۲۱ کد محیط زیست پیش‌بینی شده بود، در مرحله گسترده‌تری وارد منشور حقوق محیط زیست شد. این اصل بر لزوم پیشگیری تأکید دارد که در ماده ۳ منشور محیط زیست مطرح شده است: «هر شخصی موظف است در چارچوب تعیین شده توسط قانون از آسیب‌هایی که زمینه‌ساز ورود خسارت به محیط زیست می‌شوند پیشگیری و آثار آن را محدود نماید». البته لازم به ذکر است که این اصل برای متصدیان که در محیط زیست دارای سمتی هستند نیز کارساز است، چراکه بازدارنده‌هایی مانند مجازات و جبران خسارت باعث می‌شود متصدیان برای اجتناب از هزینه‌های فزاینده در رفتار خود مراقبت بیشتری کنند و در نتیجه از بروز آلودگی پیشگیری می‌شود.

با توجه به اصول بنیادین حقوق محیط زیست و لزوم حفاظت از محیط زیست و پیشگیری از تخریب و آلوده نمودن آن، مقنن ماده ۱۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری را پیش‌بینی نموده تا تحت شرایطی از فعالیت‌های مخرب زیست‌محیطی پیشگیری به

عمل آورد. ناگفته نماند که اگر مرتکب جرایم زیست محیطی اشخاص حقوقی باشند، باید به مواد ۶۹۰ و ۶۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ توجه نمود. ماده ۶۹۰ مقرر می‌دارد: «در صورت وجود دلیل کافی دایر بر توجه اتهام به شخص حقوقی و در صورت اقتضاء، منحصراً صدور قرارهای تأمینی زیر امکان پذیر است. این قرارها ظرف ده روز پس از ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه صالح است.

الف. قرار ممنوعیت انجام بعضی از فعالیت‌های شغلی که زمینه ارتکاب مجدد جرم را فراهم می‌کند.

ب. قرار منع تغییر ارادی در وضعیت شخص حقوقی از قبیل انحلال، ادغام و تبدیل که باعث دگرگونی یا از دست دادن شخصیت حقوقی آن شود. تخلف از این ممنوعیت موجب یک یا دو نوع از مجازات‌های تعزیری درجه هفت یا هشت برای مرتکب است.»

۶-۲- محدودیت در انتخاب وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی

شناسایی حضور وکیل دارای بنیان‌های متعددی است که در این میان مبانی حقوق بشری، جرم‌شناسانه و سیاست جنایی از بارزترین آنها به شمار می‌رود. (نیازپور، ۱۳۹۰: ۱۳۹)

مقنن با پیش‌بینی ماده ۴۸، حق دسترسی به وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی را پیش‌بینی نمود. این ماده مقرر می‌دارد: «با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می‌تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد.» بسیاری از حقوق‌دانان، انتقاداتی را بر این تبصره وارد نموده‌اند و به نظر می‌رسد انتقادات بجایی باشد. در خصوص برخی از جرایم خاص مثل تروریسم و جرایم

سازمان یافته در برخی از کشورها مثل فرانسه، محدودیت در دسترسی به وکیل از لحاظ زمان مدنظر است.^۱ این امر در قانون آیین داری کیفری مصوب ۱۳۹۲ مدنظر قرار گرفته و مدت یک هفته‌ای را در نظر گرفته بود. اما در اصلاحات سال ۱۳۹۴، محدودیت زمانی در انتخاب وکیل حذف شد. در این قانون محدودیت‌هایی در انتخاب وکیل برای برخی از جرایم در نظر گرفته شده که جرایم سبز سازمان یافته می‌تواند جزء این موارد باشد. تبصره این ماده مقرر می‌دارد: «در جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرائم سازمان یافته که مجازات آنها مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشد، انتخاب می‌نمایند. اسامی وکلای مزبور توسط رئیس قوه قضائیه اعلام می‌گردد.» ممانعت از حضور وکیل در جرایم سازمان یافته تا یک هفته البته قبل از اصلاحات قانون مزبور، به دلیل ماهیت خاص این جرایم بود و نیازی به دلیل ضروری یا اوضاع و احوال خاص مربوط به هر پرونده نداشت.^۲ این وضعیت هم‌اکنون به محدودیت انتخاب وکیل از وکلای مورد تأیید رئیس قوه قضائیه تغییر شکل داده است.

۷-۲- تسریع در رسیدگی

رسیدگی به جرایم علیه محیط زیست می‌تواند چندین سال طول بکشد. از این رو در برخی از قوانین زیست محیطی به رسیدگی‌های فوری و خارج از نوبت این دسته از جرایم اشاره شده است. ماده ۱۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳، مقرر می‌دارد: «سازمان با توجه به مقررات و ضوابط مندرج در آیین‌نامه‌های مذکور در

۱. در نظام حقوقی فرانسه به موجب ماده ۷۳-۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری، در خصوص پاره‌ای از جرایم مهم، مداخله وکیل تنها پس از سی و شش ساعت در جرایم سازمان یافته و هفتاد و دو ساعت در جرایم تروریستی امکانپذیر است.

۲. برای مطالعه بیشتر، رک به: ساقیان، محمد مهدی، تحولات حق متهم برداشتن وکیل در مرحله تحت نظر در حقوق فرانسه و ایران، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۱، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۳

ماده ۱۰، کارخانجات و کارگاه‌هایی که موجبات آلودگی محیط زیست را فراهم می‌نمایند مشخص و مراتب را کتباً با ذکر دلائل بر حسب مورد به صاحبان یا مسئولان آنها اخطار می‌نماید که ظرف مدت معینی نسبت به رفع موجبات آلودگی مبادرت یا ازکار و فعالیت خودداری کنند. در صورتی که در مهلت مقرر اقدام ننمایند به دستور سازمان ازکار و فعالیت آنها ممانعت به عمل خواهد آمد. در صورتی که اشخاص ذینفع نسبت به اخطار یا دستور سازمان معترض باشند می‌توانند به دادگاه شهرستان محل شکایت نمایند. دادگاه فوراً و خارج از نوبت به موضوع رسیدگی می‌کند و در صورتی که اعتراض را وارد تشخیص دهد رأی به ابطال اخطار یا رفع ممانعت خواهد داد. رأی دادگاه قطعی است.»

ماده ۵۰ قانون توزیع عادلانه آب مقرر می‌دارد: «در هر مورد که دادگاه‌ها در اجرای مقررات این قانون صالح به رسیدگی باشند، مکلفند به فوریت و خارج از نوبت به اختلافات رسیدگی و حکم صادر نمایند.»

البته لازم به ذکر است که با توجه به اهمیت جرایم سبز، رسیدگی خارج از نوبت و فوری خود جای تأمل دارد. زیرا جرایم سبز به لحاظ فنی و تخصصی بودن، نیازمند دقتی ویژه است و این دقت نیز نیازمند زمان است. از این رو رسیدگی‌های خارج از نوبت در جرایم سبز مطلوب به نظر می‌رسد ولی در لفظ "فوری" باید کمی تجدیدنظر نمود و دقت را قربانی سرعت ننمود. در همین راستا ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مقرر داشته است: «مراجع قضایی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کنند.» منظور از کوتاه‌ترین مهلت ممکن، مدتی معقول است.

۳- لوازم و بایسته‌های افتراقی سازی در قبال بزه ضد سبز

در شماره نخست به وضعیت افتراقی سازی در مرحله پیش دادرسی پرداختیم

و ضمن اشاره به هست‌های موجود، انتقاداتی در خصوص این هست‌ها که لزوماً جلوه افتراقی‌سازی محسوب نمی‌شوند، مطرح نمودیم. در این گفتار نیز به لوازم و بایسته‌ها در مرحله پیش‌دادرسی خواهیم پرداخت.

۳-۱- تخصصی‌سازی ساختارها و کنشگران و لزوم پیش‌بینی دادستان

زیست‌محیطی

بر اساس سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری ۱۳۹۴، برای نخستین بار در حوزه‌ی محیط‌زیست یک سند فرابخشی ارائه شده که مقام مجری این سیاست‌ها دولت (قوای حاکم) است. در بند ۴ این سند پیشگیری و ممانعت از انتشار انواع آلودگی‌های غیرمجاز و جرم‌انگاری تخریب محیط‌زیست و مجازات مؤثر و بازدارنده آلوده‌کنندگان و تخریب‌کنندگان محیط‌زیست و الزام آنان به جبران خسارت پیش‌بینی شده است. پرواضح است که مجازات زمانی مؤثر و مفید خواهد بود که مؤلفه قطعیت و سرعت را دارا باشد. سرعت در رسیدگی‌ها با پیش‌بینی دادسرا و دادگاه‌های تخصصی یا افتراقی امکان‌پذیر است و قطعیت نیز با وجود قضات تخصصی و آموزش دیده به منصف ظهور می‌رسد.

اگر قوانین مربوط به محیط‌زیست با دقت و با توجه به اصول و اهداف نظام حقوق کیفری تهیه و تنظیم شوند، اما متصدیان اجرایی از قبیل ضابطان و قضات به اهداف این قوانین، اعتقاد و باور نداشته باشند، نظام عدالت کیفری در نیل به اهداف خود دچار گسست شده و عملاً در این حوزه توفیقی به دست نمی‌آید. امروزه با توجه به فنی و تخصصی بودن جرایم سبز قضات رسیدگی‌کننده باید با بایسته‌های حقوق محیط‌زیست آشنایی لازم را داشته باشند. اما متأسفانه در حال حاضر در نظام حقوقی ما کنشگران مرحله پیش‌دادرسی و دادرسی آموزش‌هایی را در این زمینه نمی‌بینند و می‌توان به طور قاطع گفت که اگر هم دادرسی تخصصی وجود دارد، فقط عنوانش تخصصی است.

گاهی دیده می‌شود قضات محترم، خود به دفاع از قوه مجریه برخاسته و با این توجیه که نصب سیستم جلوگیری‌کننده از آلودگی محیط زیست یا تغییر محل کارگاه به منبع مالی هنگفتی نیاز دارد که خارج از توان دولت است یا تعطیلی کارخانه که باعث بیکاری کارگران می‌شود، برای مشتکی عنه قرار منع تعقیب صادر می‌کنند. به عنوان مثال می‌توان به نظر بازپرس دادسرای میاندوآب در صدور قرار منع تعقیب در رسیدگی به شکایات مورخ ۱۳۶۳/۸/۸ اداره حفاظت از محیط زیست میاندوآب از مدیر عامل کارخانه قند اشاره نمود که مورد تأیید داستان نیز قرار گرفته بود. مشارالیه در جلسه رسیدگی به شکایت مزبور در تاریخ ۱۳۶۵/۴/۱۸ چنین استدلال می‌کند که «... جهت جلوگیری از آلودگی آب رودخانه زرینه رود به فرض صحت کامل ادعای اداره شاکي، مستلزم صرف هزینه‌های هنگفت جهت تعبیه و نصب دستگاه‌های عظیم تصفیه آب و ... جهت جلوگیری از ریزش فاضلاب هرگونه تأسیسات از جمله فاضلاب بیمارستان عباسی و خانه‌های مسکونی واقع در اکناف رودخانه مذکور می‌باشد ... که نه تنها از عهده کارخانه قند میاندوآب بلکه احتمالاً از عهده دولت نیز خارج است. (حاجی وند و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۸)

به نظر می‌رسد در رسیدگی به جرم‌های سبز باید سیستم تعدد قاضی حاکم باشد و قضات از میان افرادی انتخاب شوند که فارغ‌التحصیل حقوق محیط زیست یا حقوق کیفری (آشنا با مسائل زیست محیطی) باشند. البته آموزش‌های مداوم این دسته از قضات جهت رویارویی با جرایم فنی علیه محیط زیست و نیز آگاهی از تعهدات زیست محیطی بین‌المللی امری لازم و ضروری است. متأسفانه امروزه علیرغم تصریح ماده ۹ قانون مدنی (مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی دولت ایران به آن پیوسته و به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، در حکم قانون بوده و برای دادگاه‌های کشور لازم‌الاتباع است) قضات آشنایی با این دسته از تعهدات بین‌المللی ندارند یا اینکه اعتقاد و میلی به تعهدات بین‌المللی ندارند. در حالی که آشنایی کامل و باور به اینکه عمل به تعهدات زیست محیطی بین‌المللی موجب شکوفاتر شدن محیط زیست و حفظ

آن در مقابل تخریب و آلودگی می‌شود، یکی از مهم‌ترین بایسته‌های افتراقی نمودن و تخصصی‌کردن رسیدگی به جرایم ضد سبز است.

خصیصه‌های جرم‌شناختی بزه‌کاران و خود جرایم ضد سبز و بزه‌دیدگی جمعی در این دسته از جرایم اقتضا می‌کند که علاوه بر تشکیل دادسرای تخصصی جرایم سبز، تحقیق و بازجویی از مرتکبان توسط ضابطان آموزش دیده صورت گیرد. از این رو به کارگیری ضابطان حرفه‌ای یا پلیس تخصصی باید مورد توجه قانون‌گذار باشد. در فلوریدا ضابطان قضایی حیات وحش علاوه بر آنکه به جرایم این حوزه رسیدگی می‌کنند، مسئول برخورد با دیگر جرایم نیز هستند. این امر بدان دلیل است که آن‌ها زیرمجموعه قانون عام ضابطان قضایی هستند. اما در نقطه مقابل، در هلند نیروهای پلیس، تخصص محور هستند و تنها در حوزه مربوط به خود فعالیت می‌کنند. از این رو، پلیس حمایت از محیط زیست تنها به جرایم این حوزه رسیدگی می‌کند. در انگلستان، افسران حیات وحش به مسائل این حوزه می‌پردازند. در اسکاتلند نیز پلیس سبز تشکیل شده است. (وایت، ۱۳۹۴: ۱۲۷) شاید دلیل تشکیل پلیس تخصصی آموزش دیده، ماهیت خاص جرایم ضد سبز است؛ به طوری که هر جرم مستلزم پاسخ ویژه‌ای است. در حال حاضر ضابطان خاصی که در جرایم زیست محیطی وجود دارند، آموزش‌های عمومی را می‌گذارند نه آموزش‌های فنی و تخصصی در حوزه جرایم سبز. از این منظر نظام حقوقی ما با ضعف جدی مواجه است و همین امر توجیه‌گر تشکیل پلیس تخصصی و اهمیت آموزش فنی و تخصصی به ضابطان جرایم سبز است.

یکی دیگر از چالش‌های حوزه سیاست جنایی واکنشی سبز، استفاده از مراجع پیرا قضایی است که آموزش‌های زیست محیطی لازم را ندیده‌اند. منظور از مراجع غیرقضایی رسیدگی، مراجعی هستند که از افرادی غیر از دارندگان پایه قضایی تشکیل شده و به تنهایی یا در کنار مراجع قضایی در رسیدگی به برخی جرائم دخالت دارند. در حال حاضر سه دسته از این مراجع در نظام دادرسی کیفری ایران وجود دارند که عبارت

اند از: هیأت منصفه، شورای حل اختلاف و سازمان تعزیرات حکومتی. با توجه به اینکه میزان جزایهای مقرر در قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶ به صورت قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته، با اصلاح قانون در سال ۱۳۹۴، شورای حل اختلاف دیگر جایگاهی در رسیدگی به پرونده‌های زیست محیطی ندارد و این پیشرفت خوبی است. چراکه سهل‌گیری‌ها در این دسته از جرایم، مناسب نیست و اشخاصی که در شورای حل اختلاف هستند نیز آشنایی به بایسته‌های حقوق محیط زیست ندارند. یکی از حوزه‌هایی که می‌توان با الهام‌گیری از آن اقدام به پیش‌بینی قانونی دادستان حوزه محیط زیست نمود، دادستان مالیاتی است. حوزه محیط زیست مستقیماً با جان انسان‌ها سروکار دارد و حضور دادستان حوزه محیط زیست حائز اهمیت است. (white, ۲۰۱۷: ۱۲۰)

۳-۲- لزوم بازتر شدن شبکه نسبت به جامعه مدنی (کنشگران سبز

پیراقضایی)

در دادرسی افتراقی سبز، صرف فعالیت قضات متخصص کافی به نظر نمی‌رسد و وجود کنشگرانی پیراقضایی نه تنها مفید بلکه ضروری است. این کنشگران از دست اندرکاران قضایی نیستند و با توجه به تخصصی که دارند، تأثیر آن‌ها در تحقق عدالت زیست محیطی مهم ارزیابی می‌شود. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نهادهای غیردولتی یا دادستان‌های خصوصی می‌توانند از انحصارگرایی دولتی پیشگیری کنند و در منطقی نمودن سیاست‌ها نقش ایفا کنند. فلسفه نقش‌آفرینی این نهادها، حمایت از ارزش‌های اجتماعی و منافع عمومی و بزه‌دیدگان است. هر یک از اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند در حفظ محیط زیست به ایفای نقش بپردازند. اما تأثیر آنها یکسان نیست. برخی به تناسب موقعیت رسمی و برخی از طریق فعالیت‌های غیررسمی به ایفای نقش می‌پردازند. دسته دوم همان سازمان‌های غیردولتی هستند که متأسفانه در کشور ما نقش ناچیزی در دادرسی زیست محیطی دارند. دادخواهی

زیست‌محیطی یکی از اجزای طبیعی حق بر محیط‌زیست سالم است. حقی که به همه افراد و شهروندان اجازه می‌دهد نسبت به موارد تخریب یا آلودگی محیط‌زیست علاوه بر اینکه موجبات خسارت و ضرر شخصی و فردی مستقیم را فراهم نموده باشند، به جهت نفع عمومی اقامه دعوی نمایند. از این رو افراد و سازمان‌های غیردولتی باید بتوانند از موارد نقض این حق به مراجع اداری و به ویژه قضایی شکایت نمایند. تحقق این امر باعث پیشگیری مشارکتی از جرایم زیست‌محیطی می‌گردد. (میرکمالی و حاجی‌وند، ۱۳۹۶: ۶۸)

در راستای حمایت از بزه‌دیده و مشارکت دادن نهادهای مدنی در فرآیند کیفری، مقنن برای اعلام جرم، توجه خاصی به برخی از سازمان‌های مردم‌نهاد نموده است. این سازمان‌ها یعنی مؤسسات غیردولتی غیرانتفاعی، وقتی که خود بزه‌دیده واقع می‌شوند می‌توانند اقدام به شکایت کیفری نمایند. در غیر این صورت اعلام‌کننده جرم هستند، اما جایگاه آنان را ق.ا.د.ک از یک اعلام‌کننده صرف به یک دنبال‌کننده فعال ارتقاء داده است. بدین ترتیب، سازمان‌های مردم‌نهاد حق اعلام جرم (نه شکایت) و حق معرفی نماینده جهت حضور در داسرا و دادگاه و دریافت احضارنامه و نیز حق ارائه دلیل را دارند. البته دو محدودیت برای دخالت این سازمان‌ها وجود دارد: اولاً، حوزه‌های فعالیت آنها در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ حصری بوده و شامل سازمان‌های مردم‌نهاد دیگر (مثلاً فعال در زمینه حمایت از حیوانات) نمی‌شود. در این راستا، مقنن حق تشخیص سازمان‌های فعال در حوزه‌های مذکور را هم از مقامات قضایی سلب کرده و اسامی آنها را محدود به فهرستی نموده بود که توسط قوای مجریه و قضائیه تهیه می‌شد. تبصره ۳ ماده ۶۶ قانون مذکور مقرر می‌داشت: «اسامی سازمان‌های مردم‌نهاد که می‌توانند در اجرای این ماده اقدام کنند، در سه ماهه ابتدای هر سال توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.» اما خوشبختانه بند پ ماده ۳۸ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۰ بهمن ۱۳۹۵ جایگزین تبصره ۳

ماده ۶۶ شده است. این بند مقرر می‌دارد: «سازمان‌های مردم‌نهاد در صورتی می‌توانند از حق مذکور در ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ استفاده کنند که از مراجع ذی‌صلاح قانونی ذی‌ربط مجوز اخذ نمایند و اگر سه بار متوالی اعلام جرم یک سازمان مردم‌نهاد در محاکم صالحه به‌طور قطعی رد شود، برای یکسال از استفاده از حق مذکور در ماده (۶۶) قانون ذکرشده، محروم می‌شوند. این بند جایگزین تبصره (۳) ماده (۶۶) قانون مذکور می‌شود.» ثانیاً، دخالت سازمان‌های مردم‌نهاد در جرائم دارای بزه‌دیده خاص منوط به موافقت بزه‌دیده یا ولی یا قیم یا سرپرست قانونی اوست. تبصره ۱ ماده ۶۶ مقرر می‌دارد: «در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه‌دیده خاص باشد، کسب رضایت وی جهت اقدام مطابق این ماده ضروری است. چنانچه بزه‌دیده طفل، مجنون و یا در جرائم مالی سفیه باشد، رضایت ولی یا سرپرست قانونی او اخذ می‌شود. اگر ولی یا سرپرست قانونی، خود مرتکب جرم شده باشد، سازمان‌های مذکور با اخذ رضایت قیم اتفاقی یا تأیید دادستان، اقدامات لازم را انجام می‌دهند.»

درست است که شرکت سمن‌ها در دادرسی، تشریفات نیست و باید بتوانند ادله خود را ارائه دهند (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۶: ۱۵۷) اما با حذف اقامه دلیل و اعتراض، صراحتاً این حق را ندارند و این ضعفی جدی است. از الفاظ ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری اینگونه برمی‌آید که هدف از اصلاحات محدود نمودن سمن‌ها و جایگاه اعلام جرم بخشیدن به آنها و شرکت در تمام مراحل دادرسی بوده است. رویه قضایی می‌تواند جهت به رسمیت شناختن هرچه بیشتر سمن‌ها، شرکت آنها در تمام مراحل دادرسی را شامل مرحله پیش دادرسی نیز بداند، چراکه مرحله پیش دادرسی بخشی از فرایند دادرسی است و در ماده مربوطه به آن اشاره شده است. در این صورت می‌توان اقامه دلیل را برای آنها پذیرفت، زیرا ارائه دلیل در مرحله دادرسی مهم است و در این صورت می‌توان هدف مقنن را علنی بودن دادرسی ندانست. چراکه علنی بودن دادرسی شامل محاکمات و ناظر به مرحله دادرسی است. از این رو، اگر اقامه دلیل را با این تفسیر بپذیریم، اعتراض به آراء

نیز پذیرفتنی است. تبصره ۲ ماده ۶۶ مقرر داشته است: «ضابطان دادگستری و مقامات قضائی مکلفند بزه‌دیدگان جرائم موضوع این ماده را از کمک سازمان‌های مردم‌نهاد مربوطه، آگاه کنند.» اما ضمان اجرایی برای عدم اطلاع‌رسانی در این خصوص طرح نشده و ماده ۶۳ نیز که در مقام بیان ضمانت اجرای تخلف ضابطان است، اسمی از ماده ۶۶ نبرده است. به هر صورت، ماده ۶۶ باز هم دچار اصلاحاتی خواهد شد و امید است که این اصلاحات با توجه به افزایش مشارکت این دسته از شهروندان باشد. سازمان‌های غیردولتی یا سمن‌ها به عنوان مهم‌ترین بازیگران و کنشگران غیردولتی می‌توانند تأثیر مهم و بسزایی در دادخواهی‌های زیست‌محیطی داشته باشند.

۳-۳- لزوم پیش‌بینی اعلام جرم اجباری (اقتضای عدالت زیست‌محیطی)

در زمینه حفاظت از محیط‌زیست و پیشگیری از ارتکاب جرایم در این حوزه، باید توجه مضاعفی به بحث اعلام جرم نمود. اعلام جرم اجباری که با ضمانت اجرای کیفری همراه می‌گردد، در برخی از قوانین کیفری دیده می‌شود. در خصوص جرایم سبز نیز می‌توان این نوع اعلام جرم را در قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ مشاهده نمود. ماده ۲۰ این قانون مقرر می‌دارد: «در صورتی که گزارش مأمور سازمان برخلاف واقع باشد، مأمور مزبور به دو برابر کیفر جرمی که موضوع گزارش بوده محکوم خواهد شد. در مواردی که مأمور شکاربانی با اطلاع از وقوع جرائم مذکور در این قانون از جریان امر به مقام مسئول گزارش ندهد، بر حسب مورد به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.»

عدالت زیست‌محیطی زمانی تحقق می‌یابد که سیستم عدالت کیفری حمایتی بجا و مناسب از حوزه محیط‌زیست نماید. اعلام جرم اجباری شاید در ابتدا مغایر با آزادی‌های انسان باشد، اما هیچ آزادی نباید حق دسترسی به محیط‌زیست سالم را به خطر اندازد. پیش‌بینی اعلام جرم اجباری در برخی از جرایم زیست‌محیطی برای

برخی از سازمان‌ها و نهادهایی که داعیه حمایت از محیط‌زیست را دارند، امری لازم و ضروری است. اما متأسفانه گاه دیده می‌شود نه تنها چنین الزامی وجود ندارد بلکه برای برخی از این نهادها و سازمان‌های حامی محیط‌زیست، موقعیت شاکي و مدعی خصوصی در نظر گرفته شده است. این سازمان‌ها علاوه بر اینکه نباید شاکي یا مدعی خصوصی باشند (جلوگیری از تالی فاسد: گذشت بی جا و عدم پیگیری) باید به عنوان اعلام‌کنندگان جرم، با ضمانت‌های کیفری در مقابل عدم اعلام جرم مواجه شوند.

۴-۳- پیش‌بینی مواعد طولانی مرور زمان در تعقیب و صدور حکم

مرور زمان، محدودیتی زمانی بری اقامه دعوا علیه متهم ایجاد می‌کند. کشف و اثبات جرایم ضد سبز نیاز به زمانی طولانی دارد. در کشورهای مختلف در مورد مبدأ، مدت و چگونگی محاسبه مرور زمان، تفاوت‌هایی وجود دارد. به عنوان مثال در برخی از کشورها تا هنگامی که جرم کشف نشود، مرور زمان هم شروع نمی‌شود و در کشورهای دیگر، شروع مرور زمان موکول به دستگیری متهم است. (مهدوی پور، ۱۳۹۵: ۲۴۵)

هدف از وضع چنین قواعد مهمی آن است که جرایم شدید را نباید بدون مجازات گذاشت، حتی اگر زمان بیشتری برای اجرای عدالت لازم باشد. دعاوی مربوط به آسیب‌های زیست‌محیطی اغلب سال‌ها پس از انتشار یک بخش یا تمام آلاینده‌ها به محیط‌زیست اقامه می‌شوند. از این رو، مرور زمان بسیار اهمیت دارد. معمولاً در خصوص جرایم زیست‌محیطی قاعده کشف را اعمال می‌کنند، یعنی تاریخ محاسبه مرور زمان از هنگامی آغاز می‌شود که خواهان دانسته و یا به طور معقولی باید می‌دانسته که جراحت شخصی یا خسارت به دلیل مواد و آلاینده‌های خطرناک ایجاد شده است. البته در برخی از نظام‌های حقوقی، آلودگی را یک جرم مستمر می‌دانند. از این رو جای جرایم علیه محیط‌زیست در ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ خالی است.

۵-۳- لزوم افزایش مدت بازداشت و تحت نظر

بازداشت موقت بدون تردید مطمئن‌ترین وسیله در اختیار قضات کیفری است برای جلوگیری از اینکه متهم در طول تحقیقات مقدماتی و حتی ادامه آن در تحقیقات نهایی و در مرحله قطعیت حکم و اجرای مجازات نتواند با فرار یا مخفی کردن خود موجبات اختلال در رسیدگی به جرم و تأخیر یا عدم موفقیت در اجرای حکم کیفری را فراهم سازد. (خزانی، ۱۳۷۷: ۴۴)

با توجه به اینکه مرتکبان جرم‌های ضد سبز سودهای کلانی کسب می‌کنند، مثلاً از تجارت گونه‌های نادر یا سازمان یافته، می‌توانند وجه‌الضمان و وثیقه را به راحتی تأمین کنند. از این رو در مراحل تحقیقات مقدماتی این دسته از جرایم، نظام خاصی در خصوص بازداشت موقت و تحت نظر قرار گرفتن متهمان این جرایم پیش‌بینی شده است.

به موجب ماده ۱۴۵-۱ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه اصلاحی ۲۰۰۷ میلادی که در رابطه با امور جنحه می‌باشد، «مدت کل بازداشت نباید بیش از یک سال باشد، اما این محدوده زمانی در صورتی که یکی از اجزای تشکیل دهنده جرم در خارج از سرزمینی ملی صورت گرفته باشد و یا شخص برای قاچاق مواد یا جنایت ارتکاب یافته توسط یک گروه سازمان یافته تحت پیگرد باشد و حکم آن حبس به مدت ۱۰ سال باشد، این محدوده زمانی به ۲ سال افزایش می‌یابد.» ماده ۱۴۵-۲ قانون موصوف، شرایط سخت‌تری را برای متهم به یک جنایت در نظر گرفته است: «برای اتهام جنایت، شخص تحت بازجویی قضایی را نباید به مدت بیشتر از یک سال در بازداشت نگه داشت، اما مطابق با مفاد ماده ۱۴۵-۳ قاضی تحقیق می‌تواند در زمان انقضای این محدوده زمانی، بازداشت را به مدت حداکثر ۶ ماه تمدید نماید.»

در جرایم سازمان یافته مدت تحت نظر قرار دادن متهم یا مظنون یا مدت بازداشت می‌تواند بیشتر از مدت بازداشت موقت در جرائم عادی باشد (Vere, ۲۰۱۰: ۳۵۷) برای مثال در ایتالیا مقنن به بازپرس اجازه می‌دهد که در خصوص جرائم سازمان یافته، مدت

قرار بازداشت موقت را به جای یک ماه، چهار ماه معین کند که بعد از چهار ماه لازم است دوباره آن را تمدید یا تجدید نماید.^۱ در جرایم سبز سازمان یافته و تروریسم زیست محیطی نیز این افزایش مدت بازداشت و تحت نظر بودن شخص متهم به علت خطرناکی جرایم ضد سبز و مجرمان آن لازم است.

۶-۳- تسریع در رسیدگی با تحول در بار اثبات (فرض مجرمیت)

امروزه با توجه به جهانی شدن بسیاری از پدیده‌ها، شکل جدیدی از فعالیت‌های مجرمانه در قالب سندیکایی سازمان یافته در حال گسترش است. در این میان محیط زیست هم از این امر مستثنی نشده است. برای مثال تجارت گونه‌های گیاهی و جانوری در معرض انقراض که یکی از پرسودترین فعالیت‌ها در عرصه تجارت جهانی است، اغلب در قالب فعالیت‌های گروه‌های سازمان یافته انجام می‌شود. مهم‌ترین جرائم زیست محیطی سازمان یافته عبارت‌اند از: گرفتن و شکار غیرقانونی گروه‌های در معرض خطر، بهره‌برداری غیرقانونی از چوب و الوار، تجارت غیرقانونی سنگ و جواهر و استخراج غیرقانونی معادن. (گرچی فرد، ۱۳۹۵: ۱۶۷)

ضرورت حفظ نظم عمومی، ضرورت تسهیل اثبات جرائم خطرناک و پیچیده، اصل احتیاط و ناکارآمدی قاعده استصحاب و ضرورت حمایت از بزه‌دیدگان خاص از محورهای مهم مبانی و چرایی عدول از اصل برائت و تقدیم اماره مجرمیت است. (اکبری، ۱۳۹۶: ۲۵) اصل احتیاط یادآور می‌شود که در جرایم خطرناکی چون تروریسم زیست محیطی و جرایم سازمان یافته زیست محیطی باید بار اثبات معکوس شود و فرض بر خطرناکی این جرایم باشد، مگر اینکه متهم بی‌گناهی خود را اثبات نماید.

۱. رک به: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم‌شناسی اختصاصی، تنظیم: امیر حمزه زینالی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۷۹-۱۳۷۸، ص ۴۸۷.

برآمد

امروزه افتراقی‌شدن در حوزه دادرسی کیفری نه تنها امری مفید بلکه لازم و ضروری به نظر می‌رسد. یکی از حوزه‌هایی که لزوم افتراقی‌شدن به رسیدگی‌ها بیش از گذشته احساس می‌شود، بزه‌های ضد سبز است. جرایم زیست‌محیطی که به دنبال صنعتی‌شدن جوامع، شکلی مدرن به خود گرفتند، در قالب یک جرم تروریستی تحقق پیدا کردند. از این رو برخی از کشورها همچون فرانسه در نظام تقنینی خود جرمی به نام تروریسم زیست‌محیطی را پیش‌بینی نمود و در قانون آیین دادرسی کیفری نیز، افتراقی‌سازی در حوزه رسیدگی به این دسته از جرایم ذیل جرایم تروریستی، را محقق ساخت و به این طریق آیین دادرسی آن از آیین دادرسی جرم زیست‌محیطی متفاوت شد. چرا که آیین دادرسی کیفری حاکم بر جرایم زیست‌محیطی تخصصی است و به موازات دادرسی عمومی، به مناسبت قاضی، ضابطین، دادسراها و دادگاه‌های تخصصی شکل می‌گیرد. اما در تروریسم زیست‌محیطی، آیین دادرسی کیفری اختصاصی حاکم است و شاهد سخت‌گیری‌ها در رسیدگی هستیم.

در حال حاضر در نظام حقوقی ایران، با پیش‌بینی ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ شاهد گسترش دادسراهای تخصصی هستیم. این ماده به رئیس قوه قضائیه این اختیار را داده است که اقدام به تشکیل دادسراهای تخصصی نماید که در واقع پیام‌آور بحث افتراقی و فنی‌شدن رسیدگی‌ها در مرحله پیش دادرسی علی‌الخصوص در جرایمی هستند که مجرمین آن از خطرناکی بالاتری برخوردارند. دادسرای تخصصی رسیدگی به جرایم زیست‌محیطی امروزه در شهرستان‌های مختلف تشکیل شده و هم‌اکنون در تهران تحت عنوان "دادسرای انفال و منابع طبیعی" مشغول به کار است. این دادسرا قبلاً با عنوان "دادسرای ویژه شهرداری و زمین‌خواری" از سال ۱۳۸۳ فعالیت می‌کرده است.

در خصوص رسیدگی به جرایم ضد سبز، تشریفات نیز به عنوان جلوه‌ها مورد

بررسی قرارگرفت. اما این جلوه‌ها نیز با انتقاداتی روبرو است. یکی از انتقادات جدی در این زمینه، کاربرد اصل مناسب بودن تعقیب در جرایم سبز است. جرایم سبز به لحاظ اینکه جرایمی فنی و پیچیده هستند، برخوردی قاطعانه را می‌طلبند و به نظر می‌رسد که اصل موقعیت داشتن و مناسب بودن تعقیب در خصوص این دسته از جرایم که دارای بزه‌دیده جمعی است و نسل‌های بعد نیز جزء قربانیان این دسته از جرایم محسوب می‌شود، جایگاهی نداشته باشد. از این رو، مناسب به نظر می‌رسد که قاعده مناسب بودن تعقیب در این دسته از جرایم به لحاظ ماهیت فنی که دارند حذف شود.

در نظام کیفری ایران، جلوه‌هایی از افتراقی‌سازی در خصوص افتراقی‌سازی رسیدگی به بزه‌های زیست‌محیطی مشاهده می‌شود. به نظر می‌رسد در رسیدگی به جرم‌های ضد سبز باید سیستم تعدد قاضی حاکم باشد و قضات آن از میان کسانی انتخاب شوند که فارغ التحصیل حقوق محیط‌زیست یا حقوق کیفری (آشنا با مسائل زیست‌محیطی) باشند، البته آموزش‌های مداوم این دسته از قضات جهت رویارویی با جرایم فنی علیه محیط‌زیست، امری لازم و ضروری است. متأسفانه امروزه علیرغم تصریح ماده ۹ قانون مدنی: «مقررات عهودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران به آن پیوسته و به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، در حکم قانون بوده و برای دادگاه‌های کشور لازم‌الاتباع است»، قضات آشنایی وافی با این دسته از تعهدات بین‌المللی ندارند یا اینکه اعتقاد و میلی به تعهدات بین‌المللی ندارند، در حالی که آشنایی کامل و باور به اینکه عمل به تعهدات زیست‌محیطی بین‌المللی موجب شکوفاتر شدن محیط‌زیست و حفظ آن در مقابل تخریب و آلودگی می‌شود، یکی از مهم‌ترین بایسته‌های افتراقی نمودن و تخصصی‌کردن رسیدگی به جرایم ضد سبز است. در خصوص جرایم سبز، ضابطانی به موجب قوانین خاص پیش‌بینی شده است، اما این ضابطان به موجب قانون آیین دادرسی کیفری، آموزش‌های عمومی را می‌بینند و ضابطین تخصصی و آموزش دیده و پلیس ویژه برای جرایم سبز برای ارتقای عملکرد نظام حقوقی لازم و

ضروری است، از طرف دیگر، نقش سمن‌ها به عنوان کنشگرانی غیردولتی که می‌توانند تاثیر بسزایی در تحقق عدالت زیست‌محیطی ایفا نمایند توسط اصلاحات ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری محدود شده است، از این رو با پیش‌بینی حق اقامه دلیل و اعتراض به آراء از سوی سمن‌های سبز می‌توان شاهد کاهش چشمگیر جرایم ضد سبز بود. علاوه بر این جلوه‌ها، پیش‌بینی بایسته‌هایی همچون آموزش‌های سبز و به کارگیری ضابطین تخصصی و قضات سبزاندیش (تضمین و تنظیم‌گری واکنش‌ها)، لزوم پیش‌بینی دادستان ویژه زیست‌محیطی با وحدت ملاک از دادستان‌های ویژه همچون دادستان مالیاتی، اعلام جرم اجباری، پیش‌بینی مواعد طولانی مرور زمان در تعقیب و صدور حکم، لزوم افزایش مدت بازداشت و تحت نظر، تحقیقات مشترک، بازکردن اماره مجرمیت و افزایش همکاری‌های بین‌المللی قضایی می‌تواند در افتراقی‌سازی رسیدگی به بزه‌های زیست‌محیطی و تحقق اهداف سیاست جنایی کارآمد مؤثر واقع شود.

منابع

الف) فارسی

- ابن علی، داوود (۱۳۸۶)، *معیارهای عادلانه دادرسی در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- اسماعیلی، محمد (۱۳۹۶)، *عدالت پیشگیرنده، مهار جرم در بستر نظام حقوقی*، مجله مطالعات حقوق کیفری دانشگاه تهران، دوره ۴، شماره ۲.
- اکبری، عباسعلی، المیر، محمود و پورباقرانی، حسن (۱۳۹۶)، *مفهوم و مبانی عدول از اصل برائت*، نشریه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه تبریز، سال ۸، شماره ۱۴.
- آشوری، محمد (۱۳۹۵)، *آیین دادرسی کیفری*، جلد اول، تهران، انتشارات سمت، چاپ نوزدهم.
- آشوری، محمد (۱۳۹۴)، *عدالت کیفری (مجموعه مقالات)*، جلد دوم، تهران، نشر دادگستر، چاپ دوم.
- پاک‌نیت، مصطفی (۱۳۹۶)، *افتراقی شدن دادرسی کیفری*، تهران، نشر میزان.
- پورهاشمی، سید عباس و ارغند، بهاره (۱۳۹۸)، *حقوق بین‌الملل محیط زیست*، تهران، نشر دادگستر.
- پورهاشمی، سیدعباس، نمایان، پیمان، و طیبی، سبجان (۱۳۹۴)، *جرم‌نگاری تروریسم زیست‌محیطی؛ چالش‌ها، هنجارها و راهبردها*، مجله علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره ۱۷، شماره ۱.
- تقی‌زاده انصاری، مصطفی (۱۳۹۵)، *حقوق محیط‌زیست در ایران*، تهران، انتشارات سمت.
- حاجی‌وند، امین (۱۳۹۷)، *آیین دادرسی کیفری سبز در ایران*، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- حاجی‌وند، امین و همکاران (۱۳۹۷)، *مسئولیت کیفری دولت در قبال جرایم*

زیست‌محیطی در ایران، فصلنامه علوم محیطی دانشگاه شهید بهشتی تهران.
 خزانی، منوچهر (۱۳۷۷)، **فرآیند کیفری (مجموعه مقالات)**، تهران، نشر گنج دانش.

دبیرزاده، الهه (۱۳۸۶)، **تحلیل حقوقی قاچاق انسان در حقوق ایران و حقوق بین‌الملل**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
 زارع مهدوی، قادرو دانش ناری، حمیدرضا (۱۳۹۵)، **امنیت بین‌المللی و جرایم زیست محیطی**، تهران، نشر میزان.

سلمان خاکسار، عبدالحمید (۱۳۸۹) **حکومت، فرد و امنیت**، دانشگاه عالی دفاع ملی.

زراعت، عباس (۱۳۹۳)، **آیین دادرسی کیفری**، تهران، نشر میزان، جلد دوم.
 ساقیان، محمد مهدی (۱۳۹۳)، **تحولات حق متهم بر داشتن وکیل در مرحله تحت نظر در حقوق فرانسه و ایران**، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۱، شماره ۱.

شمس ناتری، محمد ابراهیم (۱۳۹۰)، **اصل برائت و موارد عدول از آن در حقوق کیفری**، **مجموعه مقالات در تجلیل از استاد محمد آشوری**، تهران، انتشارات سمت، چاپ چهارم.

طهماسبی، جواد (۱۳۹۶)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد دوم، تهران، نشر میزان، چاپ سوم.

عباسی سرمدی، مهدی و اسدی خمایی، رضا (۱۳۹۴)، **مفهوم عدالت زیست‌محیطی و انعکاس آن در اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی**، فصلنامه راهبرد، سال بیست و چهارم، شماره ۷۷.

گرچی فرد، حمیدرضا (۱۳۹۵)، **جرم‌شناسی سبز**، تهران، نشر میزان.
 مشهدی، علی (۱۳۹۱)، **بنیادهای حقوق محیط زیست فرانسه**، تهران، نشر

خرسندی.

مشهدی، علی (۱۳۹۶)، *حقوق بشر و محیط‌زیست (مجموعه مقالات)*، تهران، نشر خرسندی.

مهدوی‌پور، اعظم (۱۳۹۵)، *سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی*، تهران، نشر میزان، چاپ دوم.

مهدی‌پورمقدم، علیرضا و شاملو، باقر (۱۳۹۶)، *تحلیل حقوقی اعلام جرم در تعقیب کیفری*، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴، شماره ۲.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۹)، *تقریرات درس جرم‌شناسی اختصاصی*، تنظیم: امیرحمزه زینالی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۰)، *جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم، درآمد ویراست دوم دانشنامه جرم‌شناسی*، تهران، نشر گنج دانش، چاپ دوم.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۸)، *رویکرد جرم‌شناختی قانون حقوق شهروندی*، مجموعه مقالات همایش حقوق شهروندی، تهران، نشر گرایش.

نیازپور، امیرحسن (۱۳۹۰)، *وکیل در قلمرو عدالت کیفری: بنیان‌ها و کارکردها*، پژوهشنامه حقوقی، سال دوم، شماره اول.

(ب) لاتین

Brisman A and South N (۲۰۱۷) *Green criminology. In: Brisman A, Carrabine E and South N (eds) The Routledge Companion to Criminological Theory and Concepts*. London: Routledge, 297-300.

Crook, Martin, south, Nigle (2018), *Ecocide, genocide, capitalism and colonialism: Consequences for indigenous peoples and glocal ecosystems environments*, Theoretical Criminology, Vol 22.

Gerard lopez ,Stamatios Tzitzis ,(2004) *Dictionnaire de sciences criminelles*,Dalloz.

Mayaud, Yves, (1997). *Le Terrorism) Connaissance du droit,(paris .Dalloz,*

- Vere van Koppen Christiane J.de Poot and Arjan A.J(2010)**
.Blocland ,Comparing Criminal Careers of Organized Crime Of-
fenders and General Offender ,European Journal of Criminology ,Vol7 ,No5
- White ,Rob .(2013) ,**Environmental crime and problem-solving**
Courts ,Article in crime law and social change ,Vol , 59 Issue , 3 P269
- White ,R .(2017) .**Experts and expertise in the land and environ-**
ment court .Australian Journal of Forensic Sciences.402-392 ,(4)49 ,

